



فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم



همگرایی راهبردی ایران و روسیه در پرتو منافع ملی و روابط متقابل

عباداله اختری^۱، علی اکبر جعفری^۲

چکیده

در چارچوب روابط بین‌الملل، تحلیل تعاملات راهبردی میان دولت‌ها و بازیگران مستلزم درک ساختار نظام بین‌الملل و راهبردهای اتخاذ شده توسط دولت‌ها برای تأمین منافع در عرصه جهانی است. باتوجه به اینکه ماهیت نظام بین‌الملل صرفاً بر اساس توزیع قدرت تعریف نمی‌شود، کشورهای دارای منافع مشترک، با طراحی استراتژی‌های هدفمند و مبتنی بر قواعد مشخص، به تدوین سیاست‌های خارجی هماهنگ اقدام می‌کنند. دو کشور با اتکا به اشتراکات سیاسی در تقابل با هژمونی غرب، به توسعه روابط پرداخته‌اند. این همگرایی، ضمن کاهش فشارهای تحریمی بر ایران، دسترسی دو کشور به بازارهای جدید و کریدورهای ترانزیتی را تسهیل کرده است. ضرورت و هدف این نوشتار، بررسی دکترین سیاسی، امنیتی، اقتصادی ایران و روسیه باتوجه به شرایط نظام بین‌الملل است و پاسخ به این سؤال که عوامل تأثیرگذار در روابط ایران و روسیه چیست؟ این مطالعه با اتکا بر چارچوب نظری نئورئالیسم و با بهره‌گیری از روش کیفی، به واکاوی اسناد کتابخانه‌ای و رخدادهای بین‌المللی به می‌پردازد. با تحلیل گزاره‌ها و اسناد موجود، به استخراج یافته‌هایی رسیدیم که نشان می‌دهد عواملی چون: منافع ملی متقابل اعم از شاخصه‌های رفتاری کشورهای متخاصم، رسیدن به وضع مطلوب جهانی، حل مناقشات در کشورهای آسیایی، اصل هم‌زیستی متقابل خارج از نبردهای ایدئولوژیک، ایجاد کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در غرب آسیا و آسیای مرکزی به‌منظور تعمیق همکاری و هماهنگی سیاست‌های کلی طرح‌ریزی شده است.

واژه‌های کلیدی:

جمهوری اسلامی ایران، همگرایی راهبردی، روسیه، روابط بین‌الملل، منافع ملی، قدرت نرم

۴۴

دوره ۱۶، شماره ۱، پیاپی ۴۴
بهار ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۳۹۳-۰۹-۱۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵-۰۱-۲۱

صص: ۹۳-۱۱۲

شابا چاپی: ۲۳۲۲-۵۵۸۰

رتبه علمی

ب

بررسی صنعت گواهی در:
JOURNALS.MSRT.IR

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

۲. استاد روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران

(نویسنده مسئول) A.jafari@umz.ac.ir



مقدمه و بیان مسأله

تحلیل منافع متقابل ایران و روسیه مستلزم واکاوی نظام‌مند اهداف استراتژیک و چارچوب‌های برنامه‌ریزی مشترک در چشم‌انداز روابط دوجانبه است. شناخت سیاست خارجی فدراسیون روسیه مهم‌ترین اقدام در تنظیم روابط با این کشور است. مهم‌ترین شاخص و ویژگی مربوط به سیاست خارجی روسیه گذار از نظام سوسیالیستی و ایدئولوژیک به سمت یک نظام عمل‌گرا و غیرایدئولوژیک است؛ چرا که با صرف نگاه ایدئولوژیک در روابط بین‌الملل تغییرات در ابعاد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی رقم نمی‌خورد. در دوره ریاست‌جمهوری پوتین، سیاست خارجی این کشور به سمت توسعه اقتصادی و همکاری سازنده در عرصه بین‌الملل طرح‌ریزی شد؛ لذا با حضور در سازمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان کشورهای مشترک‌المنافع، شانگهای و بریکس^۱ با استفاده از مزایای سیاسی و بین‌المللی آنها در جهت منافع ملی به کار گرفت.

روس‌ها امیدوارند تجارت آنها با تهران به میزان قابل‌توجهی افزایش یابد. علاوه بر پتانسیل تجارت بیشتر با ایران، اهمیت سیاسی و فرهنگی ایران در خلیج فارس و به‌ویژه در جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز برای سیاست خارجی روسیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اهمیت ایران در آسیای مرکزی اگرچه قابل‌توجه است، اما نباید دست‌کم گرفت، زیرا تهران با رقابت سختی در آن منطقه، به‌ویژه در تجارت و بازرگانی، از سوی دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مانند آمریکا، چین، ترکیه و عربستان سعودی مواجه است. با قضاوت بر اساس سیاست ایران در قبال جمهوری‌های آسیای مرکزی، روس‌ها دلایلی دارند که معتقدند ایران منافع خود در منطقه را بیشتر در ترویج توسعه اقتصادی می‌بیند تا صدور بنیادگرایی اسلامی؛ براین اساس ایران نقش مهمی در واردکردن جمهوری‌ها به سازمان همکاری اقتصادی داشته است. (tarock, 1997, p. 209) روسیه بر این باور است که ایران با اولویت‌دادن به همکاری‌های اقتصادی و زیرساختی در منطقه، به دنبال ایجاد ثبات و رفاه است و این رویکرد را راهبردی عملی‌تر و پایدارتر از سیاست‌های ایدئولوژیک می‌داند. عضویت کشورهای آسیای مرکزی در سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو) و نقش فعال ایران در این سازمان، نشان‌دهنده تلاش تهران برای تبدیل شدن به یک بازیگر کلیدی در توسعه منطقه‌ای است.

جمهوری اسلامی ایران هم در جریان بعد از جنگ ایران و عراق با توجه به نیاز برای بازسازی کشور، مقابله با قانون داماتو، ضرورت بازسازی صنایع و زیربنای دفاعی، تنش‌های سیاسی در مناسبات با ایالات متحده آمریکا با ایجاد فضای اعتماد متقابل، گسترش روابط با روسیه در پیش گرفت؛ بنابراین، در راستای حل و فصل مسائل و چالش‌های فراروی روابط دوجانبه، ضروری است با اتخاذ رویکردی هدفمند و مبتنی بر دیپلماسی چندسطحی به بررسی ریشه‌های عوامل تنش‌زا پرداخته و راهکارهای پایدار مبتنی بر منافع مشترک و اصول حقوق بین‌الملل ارائه گردد. از اقدامات مهم در این خصوص احیای روابط سیاسی و ایجاد همکاری‌های اقتصادی به‌خصوص در زمینه صنایع سنگین نفت و گاز، همکاری نظامی، ایجاد شعب بانک‌های ایران در روسیه مثل بانک ملی، تقویت نیروگاه هسته‌ای، توسعه صنعت حمل و نقل به‌خصوص در زمینه کریدور شمال و جنوب و عقد قرارداد بین سه

۱. Shanghai

۲. BRICS



کشور ایران، روسیه و هند برای مسیری کوتاه‌تر به اروپا، همکاری‌های بین‌استانی مانند آستارا خان در گیلان، همکاری‌های امنیتی، همکاری‌های فرهنگی مثل تأسیس و تقویت مراکز ایران‌شناسی و زبان‌شناسی، برگزاری نمایشگاه‌های مشترک، ارتباط بین دانشگاهی و همکاری دو کشور در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی بوده است. (صفری، ۱۳۸۴: ۱۳۰) علی‌رغم این واقعیت که این همکاری، بر پایه‌ی منافع مشترک در مقابل هژمونی غرب شکل گرفت، به تدریج به حوزه‌های انرژی، نظامی و فناوری‌های حساس گسترش یافت و روابط دوجانبه را به سطحی بی‌سابقه ارتقا داد.

مطالعه روابط ایران و روسیه با توجه به جایگاه راهبردی دو کشور در خاورمیانه و اوراسیا، همواره مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای بوده است. مرور ادبیات موجود نشان می‌دهد که پژوهش‌های پیشین را می‌توان در چند دسته اصلی موضوعی دسته‌بندی نمود:

۱. پیشینه پژوهش

در حوزه مطالعات تاریخی-سیاسی، شمار قابل‌توجهی از آثار به ریشه‌های تاریخی و فراز و نشیب‌های سیاسی این رابطه پرداخته‌اند. کرمی (۱۳۸۸) در کتاب «روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه» به تحول این روابط در دوره پسا شوروی با رویکردی توصیفی-تاریخی می‌پردازد. در سطح بین‌المللی، مطالعاتی، تارک (۱۹۹۷) با عنوان «ایران و روسیه در اتحاد استراتژیک» به همگرایی تاکتیکی دو کشور در دهه ۱۹۹۰ در برابر گسترش نفوذ آمریکا اشاره می‌کند. در مطالعات با محوریت همکاری‌های امنیتی-نظامی، شفر (۲۰۰۱) در گزارش مؤسسه واشنگتن، همکاری‌های نظامی دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ را تحلیل کرده و آن را ناشی از نیازهای فوری هر دو طرف می‌داند. در پژوهش‌های داخلی نیز، اصولی و رسولی (۱۳۹۲) مقاله «روابط ایران و روسیه: فرصت‌ها، چالش‌ها و سازوکارهای بسط روابط» به بررسی اجمالی زمینه‌های همکاری دفاعی پرداخته‌اند.

در حوزه مطالعات اقتصادی-انرژی با توجه به نقش محوری اقتصاد در روابط دوجانبه، آثار متعددی به این حوزه اختصاص یافته است. زادوخین (۲۰۰۶) در کتاب «سیاست خارجی روسیه: خودآگاهی و منافع ملی» به منافع ملی روسیه و خود آگاهی از سیاست خارجی پرداخته است که مبنایی برای شناخت منافع ملی روسیه خواهد بود. در تحقیقات داخلی، گزارش‌های دستگاه‌های اجرایی مانند وزارت نفت (۱۴۰۱) و معاونت دیپلماتی اقتصادی وزارت امور خارجه (۱۴۰۲) آمار و داده‌های ارزشمندی را ارائه می‌دهند. همچنین در حوزه مطالعات ژئوپلیتیک و نظم منطقه‌ای مطالعات پراکنده در ژورنال‌های مختلف مشاهده می‌شود.

با وجود غنای نسبی ادبیات موجود، شناسایی سه شکاف پژوهشی عمده در آثار، شامل: تک‌بعدی بودن، فاقد چارچوب نظری منسجم و مسلط در روابط بین‌الملل مانند نورثالیسم برای تبیین علل ساختاری و محاسبات راهبردی و تعامل پیچیده مؤلفه‌های سطح نظام بین‌الملل مانند جنگ اوکراین، همکاری‌های در سوریه، جنگ دوازده روزه و تشدید یکجانبه‌گرایی غرب وجود دارد. با پوشش شکاف‌های سه‌گانه فوق، این نوشتار به تحلیلی نظام‌مند و چندبعدی از همگرایی راهبردی ایران و روسیه و



تحلیل پیش بینی کننده از انعقاد قرارداد راهبردی ۱۴۰۳ به منظور ارائه تصویری به روز و پویا از این رابطه که در مطالعات پیشین به اندازه کافی مورد واکاوی قرار نگرفته است، می پردازد.

۲. چارچوب نظری و مفهومی

۲-۱. نئورئالیسم

در سطح تحلیل نظام بین الملل، ساختارها بدون در نظر گرفتن ویژگی های خاص دولتی، که متأثر از قدرت و موقعیت است، بر رفتار و نتایج اقدامات دولت ها تأثیر می گذارند. از این منظر، این ساختار اگرچه خود برآمده از تعاملات دولت هاست، اما در ادامه، همان دولت ها را به انجام اقداماتی خاص محدود و ملزم می سازد. از نگاه برخی نئورئالیست ها، افزایش وابستگی متقابل اقتصادی لزوماً تهدیدی جدی برای حاکمیت ملی محسوب نمی شود. در واقع، توانمندی های هر کشور، موقعیت آن را در نظام بین الملل مشخص می کند. نکته کلیدی در نئورئالیسم، تأکید بر «منفعت نسبی» است؛ به این معنا که دولتها دستاوردهای خود را نه به صورت مطلق، بلکه در مقایسه با رقبای ارزیابی می کنند. در این دیدگاه، برخلاف رئالیسم کلاسیک که بر کاربرد زور تمرکز دارد، نئورئالیست ها علاوه بر تعارض، به زمینه های همکاری نیز توجه ویژه ای دارند. (قوام، ۱۳۸۴: ۸۷ و ۸۸) مبنای اصلی تعاملات مبتنی بر فعال سازی همکاری های دوجانبه و چندجانبه پایدار و سازگار با منافع دو کشور صورت می گیرد.

از نظر کنت والتز آنارشی موجود در سیستم بین المللی نخستین اصل سامان بخش در نظام بین الملل است. کشورها واحدهای تشکیل دهنده ساختار نظام بین المللی هستند؛ اما بازیگران غیر از دولت ها هم در کار هستند، اگرچه هم پایه بازیگران دولتی یا به عبارتی کشوری نیستند. از آنجاکه همه کشورها به دنبال ماندگاری هستند بی سروری و آنارشی به سمتی گرایش پیدا کرده است که اصل خودیاری را تأمین کننده پایداری می دانند. (Waltz, 1979, p. 131) دولت ها در این چارچوب، نه بر پایه هنجارهای مشترک یا اعتماد، بلکه عمدتاً پاسخی راهبردی به تهدیدات مشترک و در جهت کسب منافع نسبی در رقابت با سایر قدرت هاست. دو مکانیسم محوری در این زمینه موازنه گرایی در برابر تهدیدات مسلط و همگرایی راهبردی برای افزایش قدرت در مقابل رقبای می باشد. (Mearsheimer, 2001, p. 36) مهم ترین قسمت از سیاست خارجی ایران هم به این موضوع ارتباط دارد که تقسیم قدرت باید به صورت عادلانه باشد و نظام تک قطبی تأمین کننده منافع همه کشورها نخواهد بود و با نگاه پلورالیستی^۱ اصل هژمونی از بین خواهد رفت.

بنیان نظام جهانی در منطق نئولیبرالیستی مبتنی بر یک نظم خودانگیخته است که طبق آن کاهش دخالت دولت و آزاد سازی اقتصادی منجر به تسهیل همکاری بین دولت های ملی و تضمین ثبات بین المللی خواهد شد. در اواخر قرن بیستم دخالت کاهش فشارهای اقتصادی کشورهای ضعیف تعدیل شکاف های طبقاتی و توسعه ناموزون در صد تعدیل شکاف های طبقاتی و توسعه

۱. Neorealists

۲ Self-help

۳Pluralist



ناموزون در صدد برآمدند تا یک چارچوب اخلاقی حقوقی برای آموزه‌های خودشان طراحی نمایند. (جعفری، ذوالفقاری، ۱۴۰۱: ۲۴۶) نئورئالیسم، با تمرکز بر ساختار آنارشیستیک نظام بین‌الملل به‌عنوان تعیین‌کننده اصلی رفتار دولت‌ها، چارچوب نظری این پژوهش را تشکیل می‌دهد. در این دیدگاه، دولتها بازیگران عقلانی و واحدهای اصلی هستند که در محیطی فاقد مرجعیت فرادولتی، اولویت مطلق خود را بر بقا و تأمین منافع ملی در ابعاد امنیتی و مادی متمرکز می‌کنند (Waltz, 1979, pp. 93).

تحلیل همگرایی ایران و روسیه در چارچوب نئورئالیسم مستلزم شناسایی عینی عواملی است که محاسبات امنیتی و اقتصادی دو کشور را در سطح کلان تغییر داده و آنان را به سمت همکاری سوق داده است. این مؤلفه‌ها عبارتند از: تهدید هژمونی و فشار یکجانبه‌گرایی غرب: تحریم‌های گسترده و سیاست مهار ایالات متحده و متحدان اروپایی آن علیه هر دو کشور، به عنوان یک تهدید مشترک بیرونی، محرک اصلی همگرایی بوده است. این فشارها هزینه بقا و توسعه ملی هر دو کشور را افزایش داده و منطق «موازنه تهدید» را تقویت کرده است. (Grajewski, 2022, p. 170) همکاری ایران و روسیه در این راستا، نمونه‌ای از تلاش برای کاهش وابستگی به نظام غرب‌محور و خنثی‌سازی فشارهای اقتصادی است (Katz, 2012, p. 56).

جنگ اوکراین، روسیه را در انزوای بین‌المللی عمیق‌تری قرار داد و نیاز فوری آن به شکستن محاصره اقتصادی و یافتن شرکای غیرغربی را تشدید کرد. در مقابل، ایران به عنوان کشوری با تجربه طولانی مدیریت تحریم، به شریکی راهبردی در حوزه لجستیک، انرژی و نظامی برای مسکو تبدیل شد. (Mirfakhraee, 2023, pp. 640-645) خروج آمریکا از افغانستان و بازگشت طالبان، بی‌ثباتی و تهدیدات امنیتی را در آسیای مرکزی - منطقه‌ای با اهمیت حیاتی برای هر دو کشور افزایش داد. این امر همکاری دو کشور را برای مدیریت تهدیدات مشترک و جلوگیری از نفوذ بازیگران رقیب مانند ترکیه و پاکستان در منطقه اجتناب‌ناپذیر ساخت. (حاجی یوسفی، ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۱۷۸) نفوذ فزاینده بازیگرانی مانند ترکیه با هدف احیای امپراتوری عثمانی، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در خاورمیانه و قفقاز، و همچنین نقش روزافزون چین در اوراسیا، هم ایران و هم روسیه را وادار به هماهنگی بیشتر برای حفظ حوزه نفوذ و منافع خود کرده است (Tarock, 1997, p. 215).

عضویت و همکاری در نهادهای چندجانبه غیرغربی مانند سازمان همکاری شانگهای و بریکس بسترهای نهادی شده‌ای هستند که ایران و روسیه از طریق آنها در صدد ترویج چندجانبه‌گرایی در برابر نظم لیبرال غرب هستند. این نهادها به مثابه ابزاری برای افزایش اهرم چانه‌زنی، کسب مشروعیت بین‌المللی و هماهنگی مواضع در صحنه جهانی عمل می‌کنند. در این پژوهش، نئورئالیسم چارچوب مسلط تحلیلی است. بر این اساس، تمامی ابعاد همکاری ایران و روسیه، اعم از سیاسی، امنیتی، اقتصادی و انرژی، نه بر مبنای اشتراکات ایدئولوژیک یا تاریخی، بلکه به عنوان پاسخ راهبردی عقلانی دو دولت در ساختار آنارشیستیک بین‌الملل تفسیر می‌شود.

۲-۲. منافع ملی

منافع ملی به عنوان هدف اصلی در تمامی تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی است که مهم‌ترین مطالبات یک کشور را تشکیل می‌دهد. از مهم‌ترین منافع ملی یک کشور حفظ تمامیت ارضی، امنیت اقتصادی و رفاه شهروندان، امنیت و استقلال کشور است. کاربرد منافع ملی نوعی مشروعیت‌بخشی به عملکرد نظام هم محسوب می‌شود این مفهوم دارای بارزش است چرا که هر یک از دولت‌ها برداشت‌های خارجی از منافع خود دارند و ممکن است تأمین منافع یک دولت به منزله خدشه‌دار شدن منافع دولت دیگر تلقی شود. (علی‌بابایی، ۱۳۸۴: ۵۵۵) برای فهم این موضوع می‌توان به این مهم اشاره داشت: منافع ایران و روسیه در برخی مناطق مانند قفقاز، آسیای میانه و حتی سوریه ممکن است در تضاد قرار گیرد. روسیه خواهان حفظ نفوذ انحصاری خود در این مناطق است، در حالی که ایران به دنبال گسترش روابط اقتصادی و امنیتی خود با هم‌سایگان است. به این ترتیب، رابطه ایران و روسیه ترکیبی از همکاری موقت و رقابت ساختاری است که تحت تأثیر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی ممکن است تقویت یا تضعیف شود.

روابط دیپلماتیک قوی در تأمین منافع مؤثر است. بعضی از دولت‌های قوی‌تر قادرند قواعد بازی را تغییر دهند. الگوی حاکم بر روابط در هر دورانی، قدرت دیپلماتیک است. در روابط بین‌الملل قدرت موقعیت بازیگر را در جامعه بین‌الملل مشخص می‌کند. قدرت ملی و رفتار بازیگران در اتحادها، ائتلاف‌ها و تعارضات پیوسته دچار دگرگونی خواهد بود؛ بنابراین نگرش عوامل ثابت تغییرناپذیر در سیاست خارجی وجود ندارد و با تغییر دولت‌های حاکمه شاهد دگرگونی‌هایی در سیاست خارجی در چهارچوب هدف‌ها و منافع و استراتژی‌ها می‌شود. (قوام، ۱۳۸۴: ۲۹۲) بنابراین اگر در مقطعی می‌بینیم که رفتار روسیه در قبال ایران تغییر می‌کند می‌توان علت آن را در تعارضات ناشی از کسب منافع یا بالعکس مشاهده کرد.

۳. روش پژوهش

این پژوهش با بهره‌گیری از روش کیفی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. روش اصلی گردآوری داده‌ها، مطالعه کتابخانه‌ای است که شامل بررسی و تحلیل منابع مکتوب فارسی و انگلیسی، سند تدبیر سیاست خارجی روسیه، سند راهبردی ۲۰ ساله تهران-مسکو، مقالات علمی-پژوهشی، کتب پایه و همچنین منابع آنلاین معتبر می‌شود. در گام بعد، با استفاده از تکنیک تحلیل پیش‌بینی‌کننده از گزاره‌ها، داده‌های گردآوری شده در چارچوب نظریه نئورئالیسم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. این روش به پژوهشگران اجازه می‌دهد تا با در نظرگیری بستر پیچیده نظام بین‌الملل، به تحلیل عمیق انگیزه‌ها، راهبردها حاصل از تعامل ایران و روسیه بپردازند.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. سند تدبیر سیاست خارجی ایران و روسیه



پیشران سیاست خارجی روسیه پس از شوروی بر پایه چهار مؤلفه پایدار فرهنگ راهبردی است و طی فرایندی از حالت ذهنی به یک چشم‌انداز بین‌المللی تبدیل گشته است؛ بنابراین راهبردها و اهداف سیاست خارجی روسیه ذیل محورهای احیای قدرت در سطح جهانی، قدرت هنجارمند، تأکید بر چندجانبه‌گرایی و حفظ منطقه منافع ممتاز خود تعریف می‌شود. (حاجی یوسفی، ذوالفقاری، ۱۳۹۶: ۱۸۸). در سند تدبیر سیاست خارجی جدید روسیه ۲۰۲۳، اولویت‌های سیاست خارجی عموماً بر منطقه خارج نزدیک غرب آسیا و سایر مناطق متمرکز است که می‌توان جهت‌گیری نوین منطقه‌ای و حذف غرب از اولویت اول را مشاهده کرد. اولویت بعدی به منطقه قطب شمال یا شمالگان است و در اولویت‌های بعدی منطقه اوراسیا با تأکید بر چین و هند است. به هر جهت همکاری بین روسیه و ایران را می‌توان یک امر تاکتیکی در نظر گرفت. (کرمی، ۱۴ فروردین ۱۴۰۲) با توجه به شرایط حاضر آنچه برای ما دارای اهمیت است اولویت‌های روسیه در حل مشکلات داخلی است و از لحاظ اقتصادی هم در وضعیتی نیست که تهدیدی جدی علیه ایران باشد. امکان تهدید روسیه با دو پیش شرط محقق می‌شود: الف) آنچه گذار روسیه از وضعیت کنونی و دستیابی به جایگاهی مناسب در نظام بین‌الملل ب) بازگشت به مرزهای شوروی سابق که در مورد دوم این شرط قابل تحقق نیست. اما در شرط اول با ایجاد قراردادهای رسمی و ضمنی و بلندمدت و اقدامات لازم در شرایط حساس می‌توان از تهدیدات اساسی روسیه جلوگیری کرد.

هالفورد مکیندر در نظریه هارتلند، آلفرد تایر ماهان در نظریه قدرت دریایی، نیکلاس جی اسپایکمن^۳ در نظریه ریملند، ساموئل هانتینگتون در نظریه برخورد تمدن‌ها و گراهام فولر در نظریه قبله عالم همیشه به موقعیت استراتژیکی و ژئوپلیتیکی ایران توجه داشته‌اند. همچنین الکساندر دوگین^۶ نظریه‌پرداز روس در کتاب بنیادهای ژئوپلیتیک به نقش ایران در اوراسیا و ضرورت اتحاد روسیه با ایران برای مقابله بانفوذ غرب تأکید دارد. طبیعی است کشور روسیه در تدبیر سیاست خارجی خود نقش ایران را در منطقه غرب آسیا بسیار مؤثر می‌داند.

نگاه به شرق یکی از سیاست‌های محوری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طول ۴ دهه بعد از انقلاب بوده است و کانون اصلی توجهات بر توسعه روابط با کشورهای شرق چون هند، چین و روسیه در قاره آسیا متمرکز است. اگرچه در ابتدا مختصات جغرافیایی در آن به چشم می‌خورد؛ اما با نگاهی عمیق‌تر می‌توان همه کشورهای که در سطح نظام بین‌الملل با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در تضاد و تعارض هستند مشاهده کرد. در بین کشورهای نامبرده جایگاه روسیه از همه ویژه‌تر است. در دولت سیزدهم راهبرد نگاه به شرق بسیار قوی‌تر شد و در دولت چهاردهم این مهم پیگیری شد تا جایی که در سال ۱۴۰۳ منجر به قرارداد راهبردی عمیق بین دو کشور شد.

۱. Halford Mackinder

۲. Alfred Tire Mahan

۳. Nicholas J. Spykman

۴. Samuel Huntington

۵. Graham Fuller

۶. Alexander Dugin

در سیاست خارجی همه کشورها پس از عصر وستفاليا و شکل‌گیری دولت - ملت‌ها همواره منافع ملی به‌عنوان هدف اصلی و تعیین‌کننده و راهنمای سیاست‌مداران چه در حوزه‌های داخلی و چه در حوزه‌های خارجی بوده است. در مطالعه نظام جمهوری اسلامی ایران مشخصه دینی حکومت، پژوهشگران را به این واقعیت می‌رساند که منافع ایدئولوژیک در سیاست خارجی اثرگذار است. برخی با نگاه ایده‌آلی معتقدند که موتور محرکه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هویت ایرانی، اسلامی و انقلابی است؛ رئالیست‌ها منافع مادی و ملموس را مهم‌تر قلمداد می‌کنند؛ آنها معتقدند که ایران به دنبال افزایش نفوذ و قدرت در سطح منطقه و جهان به‌منظور تأمین منافع مادی با ابزار ایدئولوژیکی است و عده‌ای هم معتقدند که هر دوی آنها تحت‌تأثیر زمان و مکان و شرایط نظام بین‌الملل قرار دارد و سیاست‌گذاران به‌نحوی که مصلحت کشور ایجاب کند اقدام به خط‌مشی‌ها در سیاست خارجی خود می‌نمایند. (طارمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۹) جمهوری اسلامی ایران با تفکر اسلامی و روسیه با تفکر کمونیستی بدون درنظرگرفتن تفکرات ایدئولوژیک صرفاً بر مبنای منافع مادی و استراتژیک تمرکز کرده‌اند.

۲-۴. توافقات جامع راهبردی

جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک در مناطقی از آسیای مرکزی قفقاز و حوزه استراتژیک خزر قرار دارد به‌موجب این موقعیت ایران و روسیه منافع متقابل را برای خود تعریف کردند در مناطقی که ذکر شد همکاری‌های مؤثری می‌تواند شکل بگیرد. با رفع تضادهای موجود مانند اختلافات آذربایجان و ارمنستان و منطقه زنگزور یا موضع‌گیری‌های نابجای روسیه در حوزه جزایر سه‌گانه این همکاری‌ها می‌تواند عمیق‌تر هم شود. خطر گسترش نفوذ آمریکا و متحدان آن، وجود فرقه‌های ضاله و حرکت‌های تندرو قومی و مذهبی مانند پان‌ترکیسم و داعش در مناطق مشترک بین دو کشور می‌تواند موقعیت آن‌ها را دچار تهدید کند؛ لذا در روابط بین دو کشور منافع متقابل طولانی‌مدت با حل مسالمت‌آمیز اختلافات باید در اولویت قرار گیرد تا در تأمین امنیت در همه حوزه‌ها مانند انرژی و حمل‌ونقل مؤثر واقع شود. (اصولی، رسولی، ۱۳۹۲: ۸۲) اعتماد سازی، گفت‌وگوی مستمر و تقویت مکانیسم‌های حل اختلاف و هماهنگی در سیاست‌گذاری‌های کلان نیز زمینه را برای توسعه روابط دوجانبه و مقابله با چالش‌های مشترک فراهم می‌کند.

همان‌طور که اشاره شد؛ توافق راهبردی سال ۱۴۰۳ این مهمات به‌عنوان نکات کلیدی ذکر شده است. توافق جامع راهبردی ایران و روسیه که در ۱۷ ژانویه ۲۰۲۵ توسط دولت چهاردهم با دولت ولادیمیر پوتین امضا شد باهدف تقویت روابط نظامی و اقتصادی و با درنظرگرفتن منافع ملی متقابل بوده است. پیشنهاد این توافق توسط دولت سیزدهم در سال ۱۴۰۰ داده شد و بعد از کارشناسی مشارکت جامع راهبردی شکل گرفت. جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه با تمایل به مشارکت در نظم نوین جهانی و شکل‌گیری نظام چندقطبی عادلانه و پایدار مبتنی بر برابری حاکمیت دولت‌ها و شالوده حقوقی مستحکم راه‌حل‌های جمعی را برای پیشبرد اهداف ایجاد نمودند.



این توافق مشتمل بر یک مقدمه و ۴۷ ماده در شهر مسکو به امضا رسید. از موارد مهمی که در این عهدنامه ذکر شده است: احترام به حاکمیت دولت‌ها، همکاری متقابل، اصول چندجانبه‌گرایی، تقویت امنیت ملی و مقابله با تهدیدات مشترک توسعه همکاری‌های نظامی در زمینه اطلاعاتی و امنیتی و تبادل هیئت‌های نظامی، توسعه همکاری‌های فنی، مبارزه با تروریسم، همکاری‌های حقوقی، کنترل تسلیحات و عدم اشاعه آن، تحکیم صلح در منطقه دریای خزر، آسیای مرکزی و ماورای قفقاز و خاورمیانه با تأکید بر حقوق بین‌الملل، استفاده پایدار از منابع دریای خزر، توسعه سازمان‌های منطقه‌ای چون شانگهای، بریکس و گسترش روابط تجاری بین ایران و اوراسیا، ایجاد سرمایه‌گذاری‌های پایدار، همکاری بین مؤسسات اداری و بانک‌ها، تقویت حمل‌ونقل و کریدورهای اصلی، سازماندهی نظام بهداشت، برقراری روابط در حوزه آموزش‌های عالی و توسعه فرهنگ و هنر از بندهای بسیار مهم در این توافق است. از بندهای بسیار برجسته در این توافق ماده ۴۷ آن است که به اصلاحات و اضافات اشاره دارد و جز لاینفک معاهده است. (نهاد ریاست‌جمهوری، ۱۴۰۳) این بدان معناست که متناسب با زمان، مکان و شرایط می‌تواند این معاهده گسترده‌تری را شامل شود.

۱-۲-۴. راهبرد اقتصادی و منافع ملی متقابل

اقتصاد سیاسی کشورها مبتنی بر عقلانیت و ارتباط و پیوند تنگاتنگ بین جامعه و اقتصاد است. برای توضیح پدیده‌ها علاوه بر عوامل اقتصادی به عوامل سیاسی و اجتماعی تأکید دارد. هر کشوری وابسته به توسعه پیرامونی^۱ هم هست. این توسعه پیرامون نوعی از پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی است که بر حسب ضرورت و خواسته و همچنین نیازهای خارجی با سایر جوامع پدید می‌آید. در واقع ماهیت پیشرفت اقتصادی و اجتماعی تحت تأثیر توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور دیگر است. انقلاب، جنگ هشت ساله تحمیلی، دولتی کردن اقتصاد، اتکا به درآمدهای نفتی و تبدیل شدن به دولت رانتییر، مدیریت‌های ضعیف و ناکارآمد در برخی ادوار، رشد بی‌رویه جمعیت در اوایل انقلاب، تحریم‌های گسترده، اقتصاد ایران را در دو دهه گذشته با مشکلات بسیاری روبرو ساخته است. (رفیعی مجومرد، ۱۳۸۸: ۶۴) لذا به‌منظور رشد اقتصادی نیازمند تبادلات در عرصه خارجی است.

در زمینه اقتصادی معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه، میزان تجارت ایران با روسیه در سال ۲۰۲۳ را ۸۴۷ میلیون و هشتصد هزار دلار عنوان کرده است؛ به‌گونه‌ای که اگر در گذشته تراز تجاری بسیار منفی بوده است؛ اما در حال حاضر روند بهتری را دنبال می‌کند. ۴۲۵ میلیون واردات داشته‌ایم و حدود ۳۸۵ میلیون دلار صادرات کشور بوده است. بیشترین صادرات مربوط به حوزه کشاورزی و محصولات دانش‌بنیان است. در مقابل بیشترین واردات مربوط به بخش صنعت و فلزات و تجهیزات و وسایل نقلیه است (معاونت دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۴۰۲).

علی‌رغم پتانسیل بالای همکاری‌های اقتصادی بین ایران و روسیه، چندین مانع بر سر راه توسعه این روابط وجود دارد. برخی از مهم‌ترین این موانع عبارت‌اند از: تحریم‌های گسترده آمریکا علیه ایران، به‌ویژه در حوزه بانکی و مالی، نبود زیرساخت‌های

۱. Peripheral development



حمل و نقل مناسب، مانند راه‌آهن‌های مدرن و بنادر مجهز، نوسانات شدید نرخ ارز (روبل و ریال)، تفاوت در استانداردهای تولید محصولات در دو کشور، نوسانات سیاسی و اقتصادی در هر دو کشور، عدم شفافیت قوانین و مقررات سرمایه‌گذاری، و نبود تضمین‌های کافی برای بازگشت سرمایه، وجود رقابتی چون چین و ترکیه، با ارائه شرایط بهتر و تسهیلات بیشتر، تلاش می‌کنند تا سهم بیشتری از بازار ایران و روسیه را به خود اختصاص دهند.

۲-۲-۴. راهبرد سیاسی و منافع ملی متقابل

در بازخوانی تاریخی، مناسبات راهبردی ایران و روسیه عمدتاً در چارچوبی دوجانبه تعریف و تداوم یافته است. این الگوی تعاملی حتی در دوره‌هایی که ایران در میانه رقابت‌های قدرت‌های بزرگ هم جوار اعم از روسیه تزاری و بریتانیا به عنوان ابزاری در معادلات ژئوپلیتیک قرار گرفت، یا هنگامی که دو ابرقدرت دوران جنگ سرد، ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی، مسائل مرتبط با ایران را در گفتگوهای دوجانبه خود مطرح می‌ساختند، کماکان پابرجا ماند (شوری، ۱۳۸۷: ۱۸۸).

برخلاف برخی که معتقدند این دو کشور در آینده رویارویی متقابل را دارند؛ اما این پیش‌فرض با رویدادهای فعلی در جامعه جهانی همخوانی ندارد. دیپلماسی دوجانبه و به دنبال آن هماهنگی‌های موقت مبتنی بر محرک‌های اصلی در خصوص ایجاد ابتکارات و مبادلات سیاسی است که در آینده به یک پویایی سیاسی در نظم نوین جهانی برسند. روسیه و ایران حول یک چشم‌انداز مشترک برای نظم نوین بین‌المللی متحد شده‌اند که مشخصه اصلی آن دولت‌محوری است؛ هرچند بر اساس شرایط موجود توازن قدرت چندقطبی ضد هژمونیک صورت می‌گیرد. دکترین روسیه و ایران، هم به صورت فردی و هم به صورت جمعی متناسب با نظام بین‌الملل، به شیوه‌ای عمل کرده‌اند که برنامه‌های غربی را محدود کرده و برخی از تفاسیر حقوق بین‌الملل را به چالش می‌کشد. (Grajewski, 2022, p.176) روسیه و ایران با اتخاذ رویکردی چندوجهی در عرصه بین‌الملل، از طریق اتحادهای راهبردی، دیپلماسی مقاومتی و بهره‌گیری از نقاط ضعف نظام غرب‌محور، نه تنها کارایی نظم لیبرال موجود را زیر سؤال برده‌اند، بلکه به شکلی پارادایمیک در جایگزینی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی تهاجمی یاری رسانده‌اند.

دو کشور در بحبوحه انزوای فزاینده از سیستم‌های بانکی بین‌المللی، بازارهای صادراتی و منابع و فناوری‌های خارجی به یکدیگر روی آوردند. مسکو و تهران در تلاش هستند تا با تعمیق اتحاد خود از طریق همکاری‌های نظامی، بانکی و کریدورهای تجاری تأثیر تحریم‌ها را در اقتصاد رو به وخامت خود خنثی کنند. اتحاد با روسیه می‌تواند پویایی بین قدرت ایران و رقبای منطقه‌ای‌اش را هم تغییر دهد. (katz, 2012, p.56) علی‌رغم اینکه سایر کشورها زمان جنگ اوکراین فاصله خود را با روسیه حفظ کرده‌اند ایران با میانجیگری برای صلح ایفای نقش می‌کند و حتی با کمک‌های فنی اتحاد خود را با روسیه حفظ کرده است.



۳-۲-۴. راهبرد انرژی و منافع ملی متقابل

در زمینه انرژی (نفت، گاز و انرژی هسته‌ای) در مصرف نیروگاهی، روسیه و ایران با تقریباً ۲۰ درصد منابع نفتی و ۵۰ درصد منابع گازی دارای منابع اثبات شده است و به دنبال تنظیم سیاست‌های اقتصادی خود هستند. از مزایای همکاری در این زمینه گسترش منافع دو کشور در دو منطقه ژئوپلیتیک غرب آسیا و دریای خزر خواهد بود. (مآمدوا، ۱۳۸۵: ۱۳۰) منابع نفت و گاز دریایی خزر جمهوری اسلامی ایران بر پابندی بر قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تأکید دارد و هر زمانی که از تقسیم بر اساس حقوق بین‌الملل هم صحبت می‌شود آن را ناعادلانه شمرده است. تقسیم عادلانه را مبتنی بر ۲۰ درصد در نظر دارد که به معنی تقسیم نفت و گاز خواهد بود. روسیه بر اساس سیاست خارجی نزدیک بر مشاع بودن دریای خزر تأکید دارد تا علاوه بر آب‌های ساحلی خود بر انرژی کل ساحل دسترس پیدا کند. طبیعی است کشورهای در این زمینه موفق‌تر عمل می‌کنند که دارای تکنولوژی برتر در زمینه استخراج انرژی هستند. ذخایر دریای خزر برای ایران دارای اهمیت است و باید بتواند بر اساس قراردادهای اشتراکی و بالابردن ظرفیت‌های خود از اصل مشاع بودن بهترین بهره را ببرد. (بیژنی، ۱۳۸۱: ۱۷) همکاری با کشورهای ساحلی در قالب کنسرسیوم‌های مشترک یا طرح‌های مشارکتی می‌تواند به افزایش ظرفیت‌های فناورانه و کاهش هزینه‌های عملیاتی بینجامد. همچنین دیپلماسی فعال و استفاده از ابزارهای حقوقی برای دفاع از منافع ملی در پرتو اصل مشاع، از جمله راهبردهای کلیدی در این زمینه محسوب می‌شود.

در زمینه انرژی هسته‌ای حدود ۳۰۰ شرکت روسی مشغول فعالیت هستند بخشی از متخصصان نیروگاه‌های اتمی روسی هستند و در زمینه آموزش پرسنل و انتقال دانش فنی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. همکاری‌ها در این زمینه در عرصه نیروی برق و احداث نیروگاه‌های حرارتی است. (سامانی، ۲۸ بهمن ۱۳۸۶) در زمان حاضر با توجه به سیاست‌گذاری جهانی برای کاهش آلودگی و همچنین ناترازی انرژی، همکاری دو کشور می‌تواند به سمت فناوری‌های هیدروژن سبز و نیروگاه‌های هیبریدی سوق یابد. روسیه در زمینه انرژی هسته‌ای کوچک نیز پیشرو است که می‌تواند گزینه مناسبی برای مناطق کم‌برخوردار از شبکه سراسری برق و آب‌شیرین‌کن ایران باشد.

۴-۲-۴. راهبرد تجارت آزاد بین طرفین

جدای از مسائل ژئوپلیتیکی که مطرح شد ایران آنچه که به عنوان یک راهکار مناسب برای اثرگذاری بر منافع ملی مؤثر می‌داند؛ تمرکز بر موضوعات ژئوپلیتیک به عنوان یک پارادایم غالب است تا بتواند ایران را از بحران اقتصادی بیرون ببرد. روسیه تمایل زیادی به استفاده از انرژی و کالا دارد و در این زمینه منحصربه‌فرد است؛ بنابراین در این زمینه کمک‌های اقتصادی زیادی را به کشورها به خصوص آسیای مرکزی و قفقاز می‌دهد. ایران می‌تواند از این فرصت استفاده نموده تا به استفاده از این مسئله ابزارهای جدیدی را در سیاست خارجی خود به کار گیرد. (خاتمی، خسرو شاهی، ۱۳۸۳: ۸۰) تمرکز بر توسعه زیرساخت‌های

حمل و نقل شمال - جنوب و پیوند دادن بازارهای اورا سیا به بنادر ایران، نه تنها جایگاه ترانزیتی کشور را ارتقا می دهد، بلکه اهرمی برای تنوع بخشی به شرکای تجاری و کاهش فشارهای ناشی از تحریم ها فراهم می کند.

موقعیت استثنایی جغرافیایی ایران، این کشور را به کانون پیوند چندین منطقه کلیدی از جمله آسیای مرکزی، قفقاز، روسیه، شبه قاره هند و حوزه خلیج فارس تبدیل کرده است. افزون بر این، شبکه ارتباطی سازمان همکاری اقتصادی (اگو) نیز بر نقش ترانزیتی ایران در پیوند دادن ترکیه به پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی تأکید دارد. این جایگاه راهبردی، نه تنها ظرفیت های بی بدیلی را برای توسعه زیرساخت ها و جذب سرمایه گذاری های خارجی فراهم می آورد، بلکه به طور مستقیم به تحکیم و ارتقای جایگاه ژئواکونومیک ایران در معماری منطقه ای و بین المللی می انجامد (میرفخرایی، ۱۴۰۲: ۶۴۴). قدرت ژئواکونومی و استفاده از آن، یکی از جنبه های موثر در روابط بین الملل در عصر حاضر است. با در نظر گرفتن قدرت ژئواکونومیک، ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک می توان از قدرت ایالات متحده آمریکا کاسته و جهان را به سمت چند قطبی شدن پیش برد و سهم آمریکا از اقتصاد جهانی را کاهش داد. در روابط بین الملل این دیدگاه در قرن ۲۱ بسیار حائز اهمیت بوده که می تواند به برقراری توازن قوا کمک کند. (مختاری هشی، ۱۳۹۷: ۶۲) این رویکرد تهاجمی-دفاعی، با تضعیف انحصار مالی و لجستیکی غرب، زمینه ساز ظهور نظم جدیدی می شود که در آن قدرت اقتصادی به صورت چند مرکزی توزیع شده و بازیگران غیر غربی از اهرم های مؤثرتری برخوردار گردند.

از پایه های مهم همکاری میان دو کشور سیستم حمل و نقل است. از این جهت با درک این مسئله زیربناها و چهارچوب ها و اهدافی را در سیاست های خود ایجاد کرده اند. طرح موافقت نامه کریدور شمال و جنوب که توسط ایران هند و روسیه مدنظر است از اهداف اصلی تجاری محسوب می شود. تقویت ناوگان حمل و نقل دریایی و ریلی و زمینی از اولویت های اساسی همکاری دو کشور است. قطعه ۱۶۲ کیلومتری رشت آستارا از بارزترین راهگزار شمال و جنوب محسوب می شود. اگر بخواهیم کالاها را فوراً به مقاصد مختلف از سال کنیم حمل و نقل جاده ای از حمل و نقل ریلی و دریایی سریع تر خواهد بود. دستیابی به هدف ترانزیت ۱۰ میلیون تن بار در مسیر کریدور شمال - جنوب ضرورت دارد و باید ظرفیت ۲۰ میلیون تنی ترانزیت در مسیرهای فعلی کریدور شمال - جنوب ذیل شقوق ریلی، جاده ای و دریایی، فعال شود. همچنین فعال شدن شاخه شرقی کریدور شمال - جنوب و ضرورت انجام اقدامات اجرایی در اسرع وقت، تشکیل کمیته حمل و نقل و امور گمرکی سه جانبه میان ایران - روسیه - آذربایجان، لزوم تسهیل صدور ویزا برای رانندگان ناوگان ایرانی، افزایش ظرفیت کشتیرانی تجاری و گسترش خطوط مسافری در دریای خزر مورد تأکید است. (۱۴۰۳، itica.ir) تحلیل این راهبرد نشان می دهد که موفقیت آن منوط به حل چالش های ساختاری و بهره گیری از فرصت های ژئوپولیتیک است.



۵-۲-۴. راهبرد موازنه تهدید و امنیت متقابل

در زمینه همکاری‌های فنی و نظامی شاید یکی از مهم‌ترین عوامل منافع متقابل ملی ایران و روسیه در این زمینه باشد که پس از جنگ تحمیلی ضرورت و توجه به نیازهای فنی در زمینه نظامی را پیش از پیش برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورد. گزینه‌های پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران کشورهای چین، کره شمالی و روسیه بودند. چینی‌ها به دلیل فشار فزاینده آمریکا و کره شمالی به دلیل عدم تنوع در فناوری نظامی نمی‌توانستند همکاری‌های خوبی را برای ایران رقم بزنند؛ گزینه روسیه به‌عنوان مناسب‌ترین عامل در زمینه فنی و نظامی بود. ایران با خرید برخی تسلیحات مورد نیاز نظامی مانند هواپیمای جنگی میگ و سوخو و زیردریایی الکتریکی و بالگردهای تهاجمی و همچنین فراهم‌سازی فرصت‌های بورسیه برای دانشجویان نظامی در مراکز نظامی و فنی روسی همکاری‌های خود را شروع کرد. (shefer, 2001, p. 9) در مقابل، ایران با افتتاح کارخانه تولید هواپیماهای بدون سرنشین ابابیل ۲ و شاهد ۱۳۶ در دهه ۹۰ و قبل از جنگ روسیه و اوکراین، رشد و توسعه موشک‌های دوربرد و همکاری‌های لجستیکی و اطلاعاتی عملیاتی همکاری‌های متقابل خود را کلید زده است.

روسیه و ایران بر اساس توافقنامه مشارکت راهبردی جامع بین فدراسیون روسیه و ایران به مدت ۲۰ سال که با تمدید خودکار برای دوره‌های ۵ ساله بعدی منعقد می‌شود؛ برای تقویت همکاری بین سرویس‌های اطلاعاتی توافق کردند. روسیه و ایران در صورت بروز بلایای طبیعی و انسان ساز به یکدیگر کمک خواهند کرد. «نیکول گراجوسکی» کارشناس امنیت بین‌المللی در مرکز بلفر برای علوم و امور بین‌الملل در مدرسه کندی دانشگاه هاروارد آمریکا در خصوص این توافق می‌گوید: معاهده روسیه و ایران از بسیاری جهات قابل توجه است. تعهد دفاعی متقابلی وجود ندارد، اما بندهای نسبتاً قوی در مورد همکاری نظامی، اشتراک اطلاعات، امنیت داخلی، امنیت اطلاعات/ سایبری و فرار از تحریم‌ها وجود دارد. (grajewski, 2021) به نظر می‌رسد در جنگ ۱۲ روزه تحمیلی رژیم صهیونیستی سفر عباس عراقچی وزیر امور خارجه کشور در راستای همین موضوع بوده است. یکی از مصادیق عینی همگرایی راهبردی ایران و روسیه در مواجهه با بحران‌های منطقه‌ای، جنگ ۱۲ روزه در ۲۳ خرداد بود. این درگیری، به سرعت به محکی برای آزمایش هماهنگی دیپلماتیک دو کشور در صحنه بین‌المللی تبدیل شد. در چارچوب ثنورثالیستی، این رویداد یک تهدید مشترک تلقی می‌شد؛ نه به دلیل تهدید مستقیم نظامی، بلکه به دلیل آنکه پیروزی یا شکست هر یک از طرفین در این نبرد، موازنه قوا و معادلات نفوذ در خاورمیانه را که هر دو کشور در آن ذینفع هستند، عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌داد.

نقش روسیه در این بحران، فراتر از یک میانجی منفعل بود. مسکو با بهره‌گیری از جایگاه خود به عنوان عضو دائم شورای امنیت و داشتن روابط با ایران، نقشی فعال و چندوجهی ایفا کرد. روسیه به‌طور سیستماتیک از طرح‌های تحریمی یکجانبه غرب علیه ایران جلوگیری کرد و بر ضرورت حل ریشه‌ای بحران و احقاق حقوق هسته‌ای ایران تأکید نمود. این موضع، در تقابل کامل با حمایت بی‌قید و شرط ایالات متحده از رژیم صهیونیستی قرار داشت و نشان‌دهنده هماهنگی استراتژیک غیررسمی با مواضع ایران

بود. مقامات روسی، به ویژه وزیر امور خارجه، لاوروف، به طور پیگیر برای برقراری آتش بس تلاش کردند. این تلاش ها اگرچه در نهایت به نتیجه رسید، اما حضور و نقش مسکو را به عنوان یک بازیگر اجتناب ناپذیر در مدیریت بحران های خاورمیانه تثبیت کرد. این نقش آفرینی مستقیم، با اهداف ایران برای کاهش انحصار دیپلماتی آمریکا در منطقه کاملاً همسو بود. عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، به مسکو سفر کرد. این سفر که در چارچوب هماهنگی برای حل بحران عنوان شد، در عمل به یک نمایش قدرتمند از اتحاد تاکتیکی و هماهنگی اطلاعاتی - سیاسی دو کشور در یکی از حساس ترین لحظات منطقه تبدیل گشت. این حرکت، پیام روشنی به غرب فرستاد مبنی بر اینکه تهران و مسکو در محور مقاومت، شریکانی هماهنگ هستند.

از منظر ثورنالیسم، همکاری ایران و روسیه در این بحران را می توان نمونه ای کلاسیک از «موازنه نرم» در برابر هژمونی منطقه ای متحد غرب (اسرائیل - آمریکا) دانست. دو کشور بدون درگیر شدن مستقیم نظامی، با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و اطلاعاتی خود در سازمان های بین المللی، هزینه های اقدام یکجانبه رقیب را افزایش دادند و موقعیت خود را به عنوان قطب های آلترناتیو در مدیریت بحران خاورمیانه تقویت کردند. این هماهنگی موفق، نه تنها اعتماد متقابل را افزایش داد، بلکه زمینه همکاری های بعدی در سایر پرونده ها مانند سوریه و اوکراین را نیز هموارتر ساخت.

منطقه غرب آسیا به دلیل رخدادها و پدیده های سیاسی مانند طوفان الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، فرایند صلح اعراب و اسرائیل، فروپاشی نظام اسد در سوریه، خروج آمریکا از افغانستان و به قدرت رسیدن طالبان و حتی درگیری آذربایجان و ارمنستان و درگیری روسیه و اوکراین دستخوش تحولات گسترده ای شده است. باتوجه به تحولات صورت گرفته شاهد تلاش مستمر رهبران روسیه برای گسترش روابط خود با ایران به عنوان یک بازیگر فعال هستیم. رابطه این دو بازیگر در منطقه پویا و در برخی مواقع غیرقابل پیش بینی و ناپایدار بوده است. روسیه نمی تواند ایران را در سیاست خارجی خود ملاحظه نکند؛ زیرا این دو کشور در مجاورت آسیای مرکزی و قفقاز هم هستند و با مسائل دوجانبه روبرو هستند. (هالالات، ۱۴۰۲: ۱۰۷) هدف هر دو کشور ایجاد ثبات و امنیت جمهوری های آسیای مرکزی و قفقاز بوده است.

۵. تنش زدایی و موازنه مثبت

هر دو کشور باتوجه به حفظ منافع ملی به فعال سازی ظرفیت ها پرداخته اند: همکاری مناسب در آسیای مرکزی برای ایجاد سازش در تاجیکستان ۱۹۹۴ تا ۹۶، حمایت از نیروی ائتلاف افغانستان، حمایت از سوریه در مقابل تروریست های داعش، ایجاد فعال کردن اوپک گازی با پیشنهاد مقام رهبری بین ایران روسیه و قطر، تبادل دانشجویان بین ایران و روسیه جهت آشنایی با فناوری ها و شناخت فرهنگ دو کشور و ایجاد مراکز همکاری های اقتصادی و فنی، تأسیس شعب بانک ها در بین دو کشور و اتصال شبکه بانکی در سال جاری (اتصال شبکه شتاب و میر)، ایجاد زیر ساخت های حمل و نقل ریلی و دریایی و زمینی و تبادل هیئت های بازرگانی و ایجاد اتاق بازرگانی مشترک ایران و روسیه، نمونه هایی از این همکاری است (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۸۷).



۱-۵. توسعه منافع ملی متقابل

تحلیل همگرایی راهبردی ایران و روسیه در پرتو اسناد کلان دو کشور و با اتکا به چارچوب نظری نئورئالیسم نشان می‌دهد که این رابطه عمدتاً بر محور محاسبات عقلانی مبتنی بر منافع ملی و در پاسخ به ساختار آنارشیک و تهدیدات مشترک در نظام بین‌الملل شکل گرفته است. یافته‌های این پژوهش مؤید آن است که عوامل کلانی همچون فشار هژمونیک و تحریم‌های یکجانبه غرب، تحولات شوک‌آفرین ژئوپلیتیک مانند جنگ اوکراین و رقابت برای نفوذ در مناطق پیرامونی مشترک (قفقاز، آسیای مرکزی، خاورمیانه)، دو کشور را ناگزیر به اتخاذ راهبرد موازنه تهدید و همگرایی راهبردی نموده است. این همگرایی در ابعاد مختلفی متجلی شده است؛ در بعد اقتصادی، به‌عنوان موتور محرکه همکاری‌ها، با محوریت کریدورهای ترانزیتی (مانند شمال-جنوب) و همکاری‌های انرژی، در بعد امنیتی-نظامی، با تمرکز بر موازنه در برابر ناتو و تقویت توان بازدارندگی دو طرف، و در بعد سیاسی با هدف ترویج چندجانبه‌گرایی و ایجاد قطب‌های قدرت آلترناتیو در برابر نظم لیبرال غرب محور است.

۱-۵. پیشنهادها برای همگرایی

با توجه به یافته‌های پژوهش و در راستای تثبیت منافع ملی و کاهش ریسک‌های ناشی از رابطه با روسیه، پیشنهادهای راهبردی زیر در سه سطح ارائه می‌گردد:

در سطح کلان و راهبردی، سند راهبردی جامع همکاری با روسیه، مبتنی بر سند جامع ۲۵ سال یک نقشه راه عملیاتی ۵ ساله با اولویت‌های شفاف در حوزه‌های حمل‌ونقل، انرژی‌های نو و همکاری‌های فناورانه-دیجیتال تهیه شود. این سند باید شامل شاخص‌های کمی پیشرفت و مکانیسم‌های حل اختلاف باشد. تنوع‌بخشی به شرکای راهبردی در چارچوب نگاه به شرق در عین تعمیق روابط با روسیه، باید با دیپلماسی فعال، تعادل راهبردی با سایر قدرت‌های شرقی مانند چین و هند را نیز حفظ و تقویت کرد تا از وابستگی افراطی به یک شریک اجتناب شود.

در سطح میانی با شکل‌دهی به اتحادیه‌های موضوع محور سه‌جانبه می‌توان زمینه تشکیل کنسرسیوم‌های سه‌جانبه با روسیه و یک کشور ثالث (مانند هند در کریدور حمل‌ونقل، یا قطر در بازار گاز) را فراهم کند. این امر هم وابستگی دوجانبه را کاهش می‌دهد و هم قدرت چانه‌زنی ایران را افزایش می‌دهد. همچنین ایجاد کمیته مشترک مدیریت بحران‌های منطقه‌ای در سطح معاونان وزارت خارجه با مأموریت رصد، تحلیل و هماهنگی مواضع در بحران‌های حاد منطقه‌ای (مانند قفقاز، افغانستان، فلسطین) پیشنهاد می‌شود.

اما در سطح آینده پژوهانه، طراحی سناریوهای مشترک برای آینده نظم بین‌الملل دو کشور باید در سناریوهای محتمل برای تحولات نظم جهانی (به ویژه تضعیف یا تحول دلار، ظهور فناوری‌های تحول‌آفرین) را بررسی و پاسخ‌های هماهنگ خود را طراحی کنند. سرمایه‌گذاری مشترک در فناوری‌های و انرژی‌های تجدیدپذیر مانند آنچه در خصوص تولید برق با روس اتم بسته شده است؛ پیشنهاد می‌شود صندوق سرمایه‌گذاری مشترک ایران-روسیه با اولویت توسعه نیروگاه‌های خورشیدی در ایران و تولید



هیدروژن سبز، ایجاد شود. این امر وابستگی مشترک به درآمدهای نفتی را کاهش می‌دهد. همچنین تدوین پروتکل امنیت سایبری و مقابله با جنگ ترکیبی با توجه به افزایش تهدیدات سایبری و جنگ اطلاعاتی، عقد یک تفاهم‌نامه ذیل قرارداد راهبردی بین نهادهای امنیتی دو کشور ضروری است؛ چرا که جنگ های آینده، جنگ تکنولوژیک و فناوریانه هوش مصنوعی است.

در چشم‌انداز آینده رابطه ایران و روسیه می‌توان سه سناریو را مطرح کرد. در سناریوی اول، در صورت تداوم فشار غرب و ثبات داخلی نسبی در دو کشور، رابطه در سطح کنونی با فرازونشیب‌هایی ادامه خواهد یافت. همکاری در حوزه‌های دارای منافع مشترک ملموس (ترانزیت، نظامی) پایدار می‌ماند، اما در حوزه‌های رقابتی (انرژی خزر) پیشرفت چشمگیری حاصل نخواهد شد. اما در سناریوی دوم، تعمیق همکاری های راهبردی در صورت تشدید بی‌سابقه فشارهای غرب یا وقوع یک بحران بزرگ منطقه‌ای که هر دو کشور را مستقیماً تهدید کند (مانند درگیری با ناتو)، ممکن است همگرایی به سطح اتحاد راهبردی نیمه‌رسمی ارتقا یابد که شامل تعهدات امنیتی روشن‌تر و یکپارچگی اقتصادی بیشتر است. در سناریوی سوم در صورت کاهش فشار غرب بر یکی از طرفین (مانند توافق احتمالی روسیه با غرب) با شرط عدم حمایت از ایران، یا تغییر جهت راهبردی ایران، رقابت های نهفته ممکن است آشکار شده و به سردی تدریجی و واگرایی نسبی منجر شود.

نتیجه‌گیری؛

تحلیل روابط راهبردی ایران و روسیه در پرتو اسناد کلان دو کشور - به‌ویژه سند راهبردی همکاری جامع ۲۵ ساله از سوی ایران و دکنین سیاست خارجی فدراسیون روسیه، نشان می‌دهد که این همگرایی بر پایه محاسبات دقیق منافع ملی متقابل شکل گرفته است. در بعد اقتصادی، راهبرد تجارت آزاد و همکاری‌های انرژی به‌عنوان موتور محرکه همکاری‌ها عمل می‌کند. در عرصه سیاسی، این رابطه مبتنی بر اصل موازنه‌گرایی در برابر هژمونی غرب و ایجاد قطب‌های چندجانبه قدرت است.

در چارچوب ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، تحولات راهبردی و تغییرات ژئوپلیتیکی، در کنار دگرگونی‌های داخلی در عرصه سیاست و جابه‌جایی‌های قدرت در سطح منطقه‌ای، روابط فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران را در موقعیتی پیچیده و منحصر به فرد قرار داده است. این روندها، به‌ویژه در طول دهه گذشته، مرحله‌ای ویژه از تعاملات دوجانبه را رقم زده که واجد ویژگی‌های قابل تأملی است. ایران به دلیل تحریم‌های گسترده غرب و آنچه که مسائل هسته‌ای خوانده می‌شود؛ روسیه به دلیل خارج کردن جهان از نظام تک‌قطبی ایالات متحده آمریکا و مداخلات خارجی اروپا و در رأس آن آمریکا در منطقه غرب آسیا و آسیای مرکزی و قفقاز و جنگ اوکراین، دو دولت را به سمت همکاری در موارد متعدد رسانده است. در این شرایط حساس، به‌کارگیری دیپلماسی پویا و راهبردی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهفته در روابط دوجانبه، ضرورتی انکارناپذیر است.

اولویت‌بندی هوشمندانه موضوعات کلیدی، به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، فناوری و امنیتی، باید در صدر استراتژی ملی ایران قرار گیرد تا بتوان از فرصت‌های پیش‌رو در این عصر پرتلاطم ژئوپلیتیکی بهینه بهره‌برداری نمود. منافع ملی متقابل ایران و روسیه، نقش مهمی در تقویت روابط دوجانبه میان دو کشور ایفا کرده است. این روابط در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی



گسترش یافته و به نفع هر دو کشور بوده است. با این حال، چالش‌هایی نیز در این روابط وجود دارد که باید برای حفظ و توسعه این روابط، به آن‌ها توجه شود.

در چشم‌انداز آتی، تداوم این همگرایی منوط به توانایی دو کشور در تبدیل همکاری‌های تاکتیکی به همپیمانی راهبردی پایدار است. موفقیت این رابطه نه تنها در گرو مدیریت هوشمندانه تقابل‌های نهفته در حوزه‌هایی مانند انرژی خزر و رقابت در آسیای مرکزی است، بلکه مستلزم خلق مدل‌های نوین همکاری در عرصه‌های فناوری‌های تحول‌آفرین، امنیت سایبری و معماری مالی غیردلاری می‌باشد. همگرایی ایران و روسیه می‌تواند به عنوان الگویی پارادایمی از اتحاد دولت‌محور در برابر نظم لیبرال غرب مورد توجه قرار گیرد، مشروط بر آنکه از دام تقلیل به اتحادی صرفاً واکنشی پرهیز کرده و به سمت خلق نظم سازی خلاق در فضای بین‌الملل در حال گذار حرکت کند. در نهایت، پویایی این رابطه راهبردی نه تنها آینده ترتیبات امنیتی-اقتصادی در اوراسیا را تحت تأثیر قرار خواهد داد، بلکه به عنوان آزمونی واقعی از توانایی بازیگران غیرغربی در بازتعریف معادلات قدرت در نظام بین‌الملل قرن بیست و یکم مورد قضاوت تاریخ قرار خواهد گرفت.

فهرست منابع؛

الف: منابع فارسی

۱. اصولی، قاسم، رسولی، رویا (۱۳۹۲)، روابط ایران و روسیه: فرصت، چالش‌ها و سازوکارهای بسط روابط، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هفتم، شماره ۱، صص. ۷۱-۹۸.
۲. بیژنی، مهدی (۱۳۸۱)، خزر و منافع جمهوری اسلامی ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی ندسا، نشر سایه‌روشن.
۳. جعفری، علی‌اکبر، ذوالفقاری، وحید (۱۴۰۱)، تحول پارادایمیک در نظریه‌های روابط بین‌الملل، انتشارات دانشگاه مازندران.
۴. حاجی یوسفی، امیرمحمد، ذوالفقاری، عباس (۱۳۹۶)، فرهنگ راهبردی و سیاست خارجی خاورمیانه‌ای روسیه، فصلنامه روابط خارجی، سال نهم، شماره دوم، تابستان. صص. ۱۹۲-۱۶۵.
۵. خاتمی خسرو شاهی، ابراهیم (۱۳۸۳)، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS)، تهران، شورای غیردولتی روابط خارجی مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابراز معاصر تهران.
۶. رفیعی مجومرد، حمید (۱۳۸۸)، زیرساخت‌های اقتصادی در ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۷. سامانی، نیلوفر (۱۳۸۶)، ایران روسیه زمینه‌های امتناع و امکان همکاری‌های نفت و گاز، میزگرد همکاری انرژی ایران و روسیه در مرکز مطالعات بین‌الملل انرژی، ۲۸ بهمن.
۸. شوری، محمود (۱۳۸۷)، ساختار گفتمانی مرحله جدید در روابط ایران و روسیه، فصلنامه علمی راهبرد، دوره ۱۶، شماره ۱، صص ۱۷۵-۱۸۹.
۹. صفری، مهدی (۱۳۸۴)، ساختار و تحولات سیاسی در فدراسیون روسیه و روابط با جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۰. طارمی، داوود، قربانی شیخ‌نشین، ارسلان، میرترابی، سید سعید، منصوری، سید علی (۱۴۰۲)، جایگاه منافع ملی و ایدئولوژیک در رویکرد سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران، نشریه روابط خارجی، شماره دوم (پیاپی ۵۸) صفحه ۴۷ تا ۸۶.
۱۱. علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۸۴)، فرهنگ سیاسی آرش، تهران، انتشارات آشیان.
۱۲. قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۴)، روابط بین‌الملل رویکردها و نظریه‌ها، تهران، انتشارات سمت.
۱۳. کرمی، جهانگیر (۱۳۸۸)، روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه عصر نوین همکاری‌ها، تهران: وزارت امور خارجه.
۱۴. مامدو، نینا (۱۳۸۵)، مناسبات اقتصادی ایران و روسیه، فصلنامه ایراس، شماره اول، پاییز. ص ۱۳۰.
۱۵. مختاری هشی، حسین، (۱۳۹۷)، تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیکی) و توصیه‌هایی برای ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهاردهم، شماره دوم، تابستان ۹۷، صص ۸۲-۵۶.
۱۶. هلال‌ات، عماد (۱۴۰۲)، استراتژی قدرت‌های خاورمیانه در بحران اوکراین، انتشارات ایران.

ب) منابع لاتین؛

- Grajewski, N. (2022). An Illusory Entente: The Myth of a Russia-China-Iran Axis. Asian Affairs, 9(1), 164-183.
- Katz, M. (2012). Russia and Iran. Johns Hopkins University, 66(3), 54-60.



- Mirfakhraee, S. H. (2023). Consequences of the 2022 Ukraine War on the Trans-Regional Geo-Economic Position of the Islamic Republic of Iran: A Case Study of Energy and Transit. *Rahbord Quarterly*, (66), 637-664 [In Persian].
- Zadoikhin, A. G. (2006). *Russia's foreign policy: Self-awareness and national interests* (M. Sanaei, Trans.). Published Abrar Moaser Cultural Institute.
- Mearsheimer, J. J. (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*. W. W. Norton & Company.
- Shefer, B. (2001). *Partners in Need: The Strategic Relationship of Russia and Iran*. Policy Paper, The Washington Institute for Near East Policy, No. 57, 29.
- Tarock, A. (1997). Iran and Russia in Strategic Alliance. *Third World Quarterly*, 18(2), 207-223.
- Waltz, K. (1979). *Theory of International Politics*. McGraw-Hill.

ج: منابع آنلاین

- <https://economic.mfa.ir/portal/newsview/740918> معاونت دیپلماسی وزارت امور خارجه (۲۰ اسفند ۱۴۰۳). قابل دسترس در:
- <https://www.mop.ir/fa-IR/Portal/5611/news/view/15872/2000003406> وزارت نفت (۱۳ آبان ۱۴۰۱). قابل دسترس در:
- <https://www.itcai.ir> انجمن صنفی شرکت‌های حمل و نقل بین‌المللی ایران، (۱۶ دی‌ماه ۱۴۰۳). قابل دسترس در:
- <https://president.ir/fa/156872> غرب، قابل دسترس در: www.iras.ir
- <https://www.irna.ir/news/85120561/> عامری، داوود، (۶ خرداد ۱۴۰۲). قابل دسترس در:
- <https://www.itcai.ir> انجمن شرکت‌های حمل و نقل بین‌المللی ایران (۱۴۰۳)



Strategic Convergence Between Iran And Russia In Light Of National Interests And Mutual Relations

Abstract

Within the framework of international relations, the analysis of strategic interactions between states and actors requires an understanding of the structure of the international system and the strategies adopted by states to secure their interests in the global arena. Given that the nature of the international system is not defined solely on the basis of the distribution of power, countries with common interests develop coordinated foreign policies by designing purposeful strategies based on specific rules. The two countries have developed relations by relying on political commonalities in opposition to Western hegemony. This convergence, while reducing sanctions pressure on Iran, has facilitated the two countries' access to new markets and transit corridors. The necessity and purpose of this article is to examine the political, security, and economic doctrines of Iran and Russia in light of the conditions of the international system and to answer the question of what are the factors influencing Iran-Russia relations? This study, relying on the theoretical framework of neorealism and using a qualitative method, analyzes library documents and international events. By analyzing the existing statements and documents, we have extracted findings that show that factors such as: mutual national interests, including behavioral characteristics of warring countries, achieving a desirable global situation, resolving conflicts in Asian countries, the principle of mutual coexistence outside ideological battles, and the creation of independent commonwealth countries in West Asia and Central Asia have been planned in order to deepen cooperation and coordinate general policies.

Keywords:

Islamic Republic of Iran, interaction and confrontation, Russia, international relations, national interests.